گزارش یک

زهرا چیذری

ویزیت یک میلیونی، درد بیماران را مضاعف می‌کند

رئیس سازمان نظام پزشکی: نمی‌توان انتظار داشت مطب پزشک با ویزیت ۳۰۰ ، ۴۰۰ هزار تومان بچرخد؛ این یک صنعت است و دو دو تا چهار تای اقتصادی دارد!

شاید تنها قشری که تخلفشان در زیر میزی و پول زور گرفتن نه فقط تقبیح نمی‌شود که توجیه می‌شود و حتی برای اینکه تخلف نکنند پیشنهاد دستخوش هم برایشان مطرح می‌شود، پزشکان هستند! حالا هم محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی وقتی می‌خواهد بودجه انقباضی سلامت را در سال آینده تحلیل کند باز هم محور نگرانی هایش مردم و سلامت جامعه نیستند، بلکه میزان دریافتی پزشکان است. رئیس کل سازمان نظام پزشکی چانه‌زنی‌هایش را برای تعرفه‌های درمان در سال آینده از همین حالا شروع و قیمت واقعی ویزیت را برای پزشک عمومی یک میلیون تومان اعلام کرده‌است! جالب‌تر اینکه آقای رئیس به صراحت طبابت را یک صنعت دانسته که دو دو تا چهار تا دارد و البته در میانه حرف‌هایش هم با بیان اینکه سال آینده اگر تعرفه‌ها واقعی نشود دریافتی‌های غیرمتعارف افزایش می‌یابد به نوعی به پزشکان زیر میزی‌بگیر چراغ سبز نشان داده و از همین حالا کارشان را توجیه کرده‌است. حالا تصور کنید با افزایش ویزیت پزشک عمومی به یک میلیون تومان و با عنایت به اینکه می‌دانیم بیمه‌ها تحت هیچ عنوان زیر بار چنین رشد قیمتی نمی‌روند، قرار است چه بلایی بر سر سلامت جامعه بیاید و چند درصد از مردم ناگزیرند از خیر درمان بگذرند یا به خوددرمانی روی بیاورند.

■■■

اواخر سال گذشته بود که هادی احمدی، عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران با اشاره به افزایش قیمت داروها رو گفت: «افزایش قیمت برخی داروها باعث ایجاد شوک در مردم شده و از هر ۱۰ نفر که وارد داروخانه می‌شوند، سه نفر دارو را دریافت نمی‌کنند. چرا باید چنین اتفاقی رخ بدهد که مردم از دریافت دارو امتناع کرده یا پول خرید دارو را نداشته باشند؟» تازه این ماجرا برای حدود یک سال قبل است؛ زمانی که تورم در حوزه سلامت به اندازه امروز نبود. حالا اگر به سراغ مراکز درمانی بروید متوجه خواهید شد خیلی‌ها حتی مراجعه به پزشک را هم به تأخیر می‌اندازند و اصلاً کار به نسخه پیچی نمی‌رسد. برخی از مردم هم برای فرار از ویزیت‌های گران و تشخیص‌های اشتباه پزشکان به خود درمانی روی آورده‌اند و برخی دیگر برای صرفه‌جویی در هزینه ویزیت پزشک و از آنجایی که به یاری بیمه هم امیدی ندارند و می‌دانند از ۱۰ قلم داروی نسخه نهایتاً یکی دو قلم آن بیمه‌ای باشد، مستقیماً به داروخانه مراجعه می‌کنند و با کمک گرفتن از دکتر داروساز سعی می‌کنند به گونه‌ای با هزینه‌های کمتر بیماری خود را مدیریت کنند. این مدل از دارو درمان اما اگرچه در کوتاه مدت ممکن است منجر به صرفه‌جویی هزینه‌های سلامت در سبد هزینه خانوار شود، اما در بلندمدت می‌تواند هزینه‌های سنگین‌تری را به جامعه و خانواده تحمیل کند. حالا در چنین شرایطی و با عنایت به اینکه ویزیت ۳۰۰، ۴۰۰ هزار تومانی پزشکان هم برای بسیاری از مردم قابل تحمل نیست، رئیس سازمان نظام پزشکی از ویزیت واقعی یک میلیون تومانی صحبت می‌کند تا به نوعی نقشه راه تعرفه‌های درمان برای سال آینده را پیش روی پزشکانی که در انتخابات گذشته به او رأی داده‌اند روشن کرده و به آنها اثبات کند فرد مناسبی را برای ریاست صنفشان برگزیده‌اند!

■ انتقاد صنفی به بودجه ۱۴۰۵

ماجرای بودجه انقباضی ۱۴۰۵ دامان نظام سلامت را هم گرفته‌است. رئیس کل سازمان نظام پزشکی با هشدار نسبت به پیامدهای بودجه انقباضی در حوزه سلامت، انتقاد جدی‌اش به این بودجه با منافع صنفی‌اش گره خورده‌است.

از نگاه رئیس زاده نیروی انسانی سرمایه اصلی حوزه سلامت است و از این رهگذر نباید آسیب ببیند. بنابراین در بین همه این مشکلات و بودجه انقباضی باید حداقل در بحث ویزیت، قیمت تمام شده لحاظ شود وبیمه‌ها باید قیمت تمام شده ویزیت جامعه پزشکی را بپردازند که به مردم فشاری وارد نشود.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی وقتی می‌خواهد شفاف‌تر درباره قیمت تمام شده و میزان واقعی ویزیت‌ها صحبت کند از عدد و رقمی حرف می‌زند که می‌تواند تلاطم‌های اقتصادی روی مردم را چند برابر کند! ویزیت یک میلیون تومانی!

وی می‌گوید: «معتقدیم قیمت کارشناسی ویزیت جامعه پزشکی (بیس پزشک عمومی) زیر یک میلیون تومان نیست. این را بیمه باید قبول کند. بالاخره بیمه باید یک روز به قیمت تمام شده خدمات حوزه سلامت تمکین کند. به این ترتیب هر مطبی که با بیمه قرارداد بست، ویزیت بر اساس قیمت تمام‌شده پرداخت شود. ما نیز متعهد می‌شویم اگر بیمه قیمت تمام‌شده ویزیت را بپذیرد، همه افراد جامعه پزشکی با بیمه کار کنند، اما نه با این عددهایی که ۷۰ تا ۸۰ درصد زیر قیمت تمام شده‌است. بی‌تردید این موضوع به نفع مردم است.»

■ چراغ سبز رئیس به زیر میزی بگیران

رئیس سازمان نظام پزشکی به نوعی چراغ سبزش را به پزشکان زیر میزی بگیر هم نشان می‌دهد و می‌افزاید: «اگر غیر از این حرکت شود، دریافتی‌های غیرمتعارف، نابسامان می‌شود و از سوی دیگر تأمین نیروی انسانی تخصصی با چالش و بحران جدی مواجه خواهد شد.»

وی تصریح می‌کند: «بر همین اساس هم با شهامت و شجاعت و صداقت به مسئولان، مردم و رسانه‌ها می‌گویم که مصلحت و خیر مردم و جامعه و سلامت کشور در این است که ویزیت جامعه پزشکی با قیمت تمام‌شده لحاظ شود در غیر این صورت تداوم خدمت غیرممکن خواهد بود. مسئولان و دولت باید در این زمینه تصمیم بگیرند.»

رئیس کل سازمان نظام پزشکی با تأکید مجدد بر لزوم لحاظ قیمت واقعی خدمات پزشکی در بودجه ۴۰۵ و با بیان اینکه جامعه پزشکی هم تا جایی می‌تواند سوبسید دهد، تأکید می‌کند: «برای سال آینده مصراً به دنبال اجرای قیمت تمام‌شده ویزیت هستیم. اگر نمایندگان مجلس این منابع را در بودجه ببینند، بیمه‌ها می‌توانند پوشش داده و فشاری به مردم وارد نشود. اگر هم رعایت نشود، مردم و جامعه پزشکی هر دو ضرر می‌کنند.»

وی با تأکید بر اینکه جامعه پزشکی بدون لحاظ قیمت کارشناسی شده ویزیت امکان تداوم خدمت را نخواهد داشت و نمی‌توان انتظار داشت مطب پزشک با ویزیت ۴۰۰،۳۰۰هزار تومان بچرخد به صراحت طبابت را یک صنعت عنوان می‌کند و معتقد است این صنعت و دو دو تا چهار تای اقتصادی دارد.

■ وای به روزی که بگندد نمک

وقتی معاون وزیر بهداشت زیرمیزی می‌گیرد و رئیس کل سازمان نظام پزشکی به صراحت طبابت را که زمانی جایگاه حکمت داشت، یک صنعت عنوان می‌کند دیگر نمی‌توان از سایر پزشکان انتظار داشت به طبابت به عنوان یک تجارت نگاه نکنند! ویزیت یک میلیون تومانی پزشک عمومی هر چند از نگاه رئیس سازمان نظام پزشکی قیمت واقعی ویزیت است، اما در عمل موجب خواهد شد که مردم حتی برای سرماخوردگی هم نتوانند به دکتر مراجعه کنند. یک میلیون تومان هزینه چند روز کار یک کارگر ساده است! اینجاست که فقط می‌توان گفت خدا به داد مردم برسد.

گزارش ۲

محیا حسینی

از آلمان تنها تا روستاهای خالی ایتالیا، تجربه‌ای که باید از آن درس بگیریم

اروپا در دام بحران جمعیت

اروپا، امروز با بحرانی روبه‌رو است که ریشه آن در کاهش ازدواج و فرزندآوری قرار دارد، بحرانی که در آلمان به شکل تنهایی گسترده، در بروکسل با تغییر ترکیب جمعیتی و در ایتالیا با زمستان جمعیتی و روستاهای خالی خود را نشان داده‌است. این همان نقطه بحرانی است که اروپا به آن رسیده، نقطه‌ای که پیش از این، هرگز تصورش را هم نمی‌کرد.

کشورهای اروپایی، سال‌ها، سبک زندگی فردگرایانه را جایگزین خانواده کردند. تا جایی که به مرور زمان، ازدواج به حاشیه رفت و فرزندآوری کم‌اهمیت شد. اکنون نتیجه مسیری که در پیش گرفته بودند، نمایان شده‌است، حال دولت‌ها به تکاپو افتاده‌اند تا میلیاردها یورو هزینه کنند و جای خالی خانواده‌ها را با کتابخانه‌ها، مراکز اجتماعی و برنامه‌های حمایتی پر کنند، اما آیا این کارها جای طبیعی‌ترین پیوند انسانی را پر می‌کند؟ بدون شک نه.

این بحران اما، همان خوابی است که برای ایران هم دیده شده، خوابی با نام مدرن‌سازی ازدواج و بی‌اعتنایی به فرزندآوری. متأسفانه امروز در کشور ما، ازدواج برای جوانان دشوارتر شده، هزینه‌های زندگی سنگین است، امنیت شغلی وجود ندارد و در این میان، عمده رسانه‌ها، سبک زندگی فردگرایانه را تبلیغ می‌کنند!

در این میان، تجربه اروپا به روشنی نشان داده که بحران جمعیت ناگهان رخ نمی‌دهد، بلکه آرام و تدریجی پیش می‌رود و درست زمانی به چشم می‌آید که اصلاح آن بسیار دشوار شده‌است. اکنون ما می‌توانیم از این تجربه گران، درس بگیریم و پیش از آنکه دیر شود، برای آینده خانواده و نسل‌های ایران تصمیم‌های جدی و عملی بگیریم.

■ تنهایی در جامعه آلمان بیداد می‌کند

بحران تنهایی در آلمان به یکی از جدی‌ترین مسائل اجتماعی تبدیل شده‌است. مقامات محلی هشدار داده‌اند که اگر اقدامی فوری صورت نگیرد، این دهه به «دهه تنهایی» بدل خواهد شد.

آندره بریگر، رئیس انجمن شهرها و شهرداری‌های آلمان، از دولت فدرال خواسته یک صندوق ملی مبارزه با تنهایی ایجاد کند. او گفته که برای آغاز این طرح باید دست‌کم ۵۰۰ میلیون یورو اختصاص یابد، بودجه‌ای که قرار است صرف تقویت زیرساخت‌های اجتماعی شود. این زیرساخت‌ها شامل کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی و فضاهای عمومی هستند، مکان‌هایی که می‌توانند فرصت‌های واقعی برای ارتباط و تعامل انسانی فراهم کنند و از انزوای بیشتر مردم جلوگیری نمایند.

بریگر توضیح داده که فعالیت‌های داوطلبانه و مردمی هرچند ارزشمندند، اما نمی‌توانند همه خلأهای ناشی از فروپاشی روابط اجتماعی را پر کنند. به همین دلیل، او خواستار یک برنامه قدرتمند در سطح ملی و ایالتی شده تا ساختارهای حمایتی مؤثر برای مقابله با تنهایی شکل بگیرد. به باور او، این صندوق می‌تواند به ایجاد شبکه‌ای از خدمات اجتماعی کمک کند که افراد تنها را به جامعه بازگرداند و مانع از گسترش انزوای اجتماعی شود.

آمارها نیز این هشدارها را تأیید می‌کنند، بر اساس داده‌های بنیاد کمک به افسردگی آلمان، از هر چهار بزرگسال در این کشور، یک نفر احساس تنهایی دارد. همچنین اداره فدرال آمار گزارش داده که حدود ۱۷ میلیون نفر تنها زندگی می‌کنند، (یعنی بیش از ۲۰ درصد جمعیت). از سوی دیگر، زندگی تنها در میان سالمندان بسیار رایج شده، تا جایی که بیش از نیمی از افراد بالای ۸۵ سال به‌تنهایی روزگار می‌گذرانند.

■ ۷۳ درصد کودکان بروکسل غیراروپایی‌اند

پس از بحران تنهایی در آلمان، حالا در قلب اروپا موضوع دیگری مطرح است که باز هم به ریشه مشترک یعنی کاهش فرزندآوری و تغییر ساختار جمعیت برمی‌گردد. این بار، بروکسل (پایتخت بلژیک و اتحادیه اروپا) در کانون توجه قرار گرفته است.

ایلان ماسک، میلیاردر امریکایی و مالک شبکه اجتماعی ایکس، با انتشار پیامی جنجالی مدعی شد که در بروکسل، جایگزینی نژادی بزرگ، رخ داده است. او نوشت: «۷۳ درصد از کودکان بروکسل اروپایی نیستند. جایگزینی بزرگ عملا اتفاق افتاده است.» این سخنان بر پایه آماری بود که نشان می‌داد بیش از ۷۲ درصد کودکان این شهر از خانواده‌های مهاجر هستند. ماسک پیش‌تر نیز گفته بود که بروکسل دیگر «بلژیکی» محسوب نمی‌شود، اظهاراتی که واکنش‌های گسترده و انتقادات فراوانی را در پی داشت. این بحث‌ها به نظریه‌ای موسوم به «جایگزینی بزرگ» گره خورده است، نظریه‌ای که در محافل سیاسی و اجتماعی اروپا بسیار بحث‌برانگیز است. این نظریه مدعی است نخبگان جهانی عامدانه تلاش می‌کنند جمعیت بومی اروپا را از طریق مهاجرت، سیاست‌های ادغام اجتماعی و ازدواج‌های مختلط کاهش دهند و به حاشیه برانند. هر چند این نظریه به‌عنوان یک دیدگاه توطئه‌آمیز و نژادپرستانه شناخته می‌شود، اما واقعیت آماری تغییر ترکیب جمعیتی در شهرهایی مانند بروکسل غیرقابل‌انکار است. امروز بخش بزرگی از کودکان این شهر از خانواده‌های غیراروپایی هستند و این تغییر، پرسش‌های جدی درباره آینده فرهنگی و اجتماعی اروپا ایجاد کرده‌است.

■ زمستان جمعیتی در ایتالیا

از سوی دیگر، در یکی از روستاهای کوچک و کوهستانی ایتالیا، رویدادی کم‌سابقه رخ داد که بار دیگر بحران جمعیتی این کشور را به صدر اخبار آورد. در روستای پاگلیارا دِی مارسی، واقع در منطقه آبروتزو، دختربچه‌ای به نام لارا پس از نزدیک به سه دهه به دنیا آمد، نخستین نوزاد این روستا در ۳۰ سال گذشته. جمعیت این روستا به حدود ۲۰ نفر کاهش یافته و تولد لارا برای اهالی به نمادی از امید و بقای روستا تبدیل شد.

طبق آمار رسمی، تعداد تولدها در سال ۲۰۲۴ به پایین‌ترین سطح تاریخی رسید و نرخ باروری به ۱/۱۸ فرزند برای هر زن کاهش یافت، یکی از پایین‌ترین ارقام در اتحادیه اروپا. روند نزولی در سال ۲۰۲۵ نیز ادامه داشته و منطقه آبروتزو بیشترین افت تولد را تجربه کرده‌است. این وضعیت به‌قدری جدی است که دولت جورجیا ملونی از آن با عنوان «زمستان جمعیتی» یاد کرده و برای مقابله با آن مشوق‌های مالی مانند پاداش تولد و کمک‌هزینه ماهانه کودک را در نظر گرفته‌است.

با این حال، کارشناسان و خانواده‌ها معتقدند این اقدامات کافی نیست. مشکلاتی مانند کمبود مهدکودک، ناامنی شغلی، تعطیلی مدارس و بسته شدن مراکز زایمان همچنان مانع اصلی فرزندآوری محسوب می‌شوند. در بسیاری از شهرهای اطراف نیز کاهش تولدها باعث شده بخش‌های زایمان بیمارستان‌ها در معرض تعطیلی قرار گیرند و نگرانی‌هایی جدی درباره دسترسی ایمن زنان باردار به خدمات درمانی ایجاد شود. به گفته ساکنان محلی، تولد لارا اگرچه یک اتفاق کوچک است، اما تصویری روشن از بحران بزرگ ایتالیا ارائه می‌دهد، اینکه کشوری با جمعیتی سالخورده، روستاهای خالی و آینده‌ای که بدون اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی، با کمبود نسل جدید روبه‌رو خواهد بود.

■ تجربه‌ای پیش روی ما

اروپا، هزینه بی‌توجهی به خانواده و جمعیت را می‌پردازد، اما ما هنوز فرصت داریم. فرصتی که هم به تصمیم‌های دولتی گره خورده و هم به روزمره‌مان. از حمایت‌ها و مشوق‌هایی که باید از سوی مسئولان باشد تا ارزش فرزندآوری که باید در خانواده‌ها زنده نگه داشته‌شود و صد البته رسانه‌هایی که باید به جای تبلیغ فردگرایی، فرهنگ ازدواج و زندگی مشترک را تقویت کنند. این بحران پیش آمده در اروپا، اگرچه آرام و تدریجی پیش می‌رود، اما راه‌حل آن نیز تدریجی و جمعی است. هر قدم کوچک، از سیاست‌گذاری درست گرفته تا تغییر نگاه فرهنگی، می‌تواند مسیر آینده را تغییر دهد.

اکنون تجربه اروپا پیش چشم ماست، و این بار، انتخاب با ماست که از آن درس بگیریم یا همان راه را دوباره طی کنیم.

در سلک آفتاب

ستون سه‌شنبه‌ها

مهدی مولایی

بس در طلبت کوشش بی‌فایده کردند!

در چند روز اخیر نشانه‌های یک تلاش هماهنگ رسانه‌ای و روانی برای احیای فضای آشوب و التهاب داخلی دوباره در اردوگاه استکبار و عوامل ضدوطنی دیده می‌شود؛ تلاشی که بیش از آنکه ریشه در واقعیت‌های میدانی جامعه ایران داشته باشد، محصول اتاق‌های فکر بیرون از مرزها و بازوهای رسانه‌ای ضدانقلاب به‌نظر می‌رسد. بازخوانی دقیق این تحرکات نشان می‌دهد که همچنان هدف اصلی نه اصلاح و بهبود وضعیت مطالبات جامعه، بلکه کوشش برای بازتولید بی‌نظمی، سوءاستفاده از خواسته‌های مشروع مردم و کسبه و القای ناتوانی حاکمیت در مدیریت جامعه است.

یکی از محورهای اصلی این پروژه، تلاش برای زنده‌نمایی اغتشاشات سال ۱۴۰۱ است؛ اغتشاشی که با همه پیچیدگی‌ها، مسیر خود را طی کرد و چندی بعد پایان یافت. اکنون اما برخی رسانه‌های معاند می‌کوشند با روایت‌سازی‌های جدید، مستندسازی‌های جهت‌دار و برجسته‌سازی نام برخی چهره‌های هنری و سلبریتی‌ها، آن رخدادها را نه به‌عنوان تجربه‌ای تاریخی، بلکه به مثابه جنبشی زنده و پایان نایافته بازتعریف کنند. این در حالی است که جامعه امروز ایران، چه از نظر ذهنی و چه از نظر اجتماعی، در آن نقطه نایستاده و تلاش برای تحمیل مجدد آن فضای تکراری، بیش از هر چیز نشانه انقطاع تحلیل گران خارجی از واقعیت جامعه است. انتشار مستند تصویری با محوریت یکی از فعالان اغتشاشات ۱۴۰۱ که هیچ واکنش ملموسی از مردم و جامعه حقیقی دریافت نکرده و مورد بی‌توجهی مردم قرار گرفت، خود گواهی بر این مسئله است.

در کنار این روایت‌سازی تاریخی، ضلع دوم پروژه بر تشدید فشار روانی متمرکز شده‌است. شایعات گسترده درباره کمبود کالا و خبرهای بی‌وقفه افزایش ناگهانی قیمت‌ها به‌طور هدفمند در فضای مجازی پمپاژ می‌شود تا احساس ناامنی معیشتی را تشدید کند. مشکلات معیشتی ایام اخیر در کشور، موجب افزایش فشار اقتصادی بر طبقات مختلف جامعه است و انکار آن نه ممکن است و نه عاقلانه. دولت، علاوه بر تلاش مضاعف در راستای کنترل وضعیت افسارگسیخته بازار این روزها، بهتر است که مستقیم و بی‌پرده با مردم سخن گفته و وضعیت را خود برای جامعه تشریح کند تا رسانه‌های معاند خارجی، راوی مشکلات مردم نشوند. همانطور که در شرایط جنگ نظامی اخیر، بلافاصله سخنگوی نظامی تعیین و به صورت منظم و صریح به تشریح و توضیح شرایط جنگی پرداخته شد و مردم خود را همراه و حامی قوای نظامی دیدند، بهتر است دولت محترم با فهم شرایط جنگ اقتصادی و فشار بر طبقه‌های مردم، با تعیین سخنگوی اقتصادی به صورت رو در رو و منظم با مردم صحبت کند تا از چندصدایی و مصاحبه‌های ضدونقیض مسئولان و هم جلوگیری شود. با وجود این، اما تفاوت بنیادین وجود دارد میان نقد و مطالبه‌گری اقتصادی از یک‌سو، و تبدیل عامدانه این مشکلات به سوخت آشوب از سوی دیگر.

ضلع سوم این عملیات، شایعه‌سازی مستمر و فرسایشی است؛ از اخبار جعلی اقتصادی گرفته تا بزرگ‌نمایی رخدادهای محدود و پراکنده به‌عنوان «جرقه اعتراض سراسری». تجربه نشان داده این تاکتیک بیش از آن که به حرکت اجتماعی واقعی منجر شود، مصرف رسانه‌ای داشته و برای حفظ روحیه بدنه اپوزیسیون خارج‌نشین طراحی شده‌است تا به عنوان کاتالیزور افزایش خشم عمومی عمل کند.

نکته قابل توجه اینجاست که طراحان این پروژه، همچنان بر همان ابزارهایی تکیه دارند که پیش‌تر کارآمدی خود را از دست داده‌اند. رسانه‌هایی که در بزنگاه‌های حساس، از جمله در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر و مواضع آشکار و بعضاً ضدایرانی‌شان، سرمایه اجتماعی خود را نزد بخش بزرگی از افکار عمومی ایران از دست داده‌اند و گاه با پویش‌های آنفالو و بلاک توسط کاربران مواجه شده‌اند، امروز با بحران اعتماد مواجهند. جامعه‌ای که بارها شاهد دروغ، بزرگ‌نمایی و وارونه‌نمایی از سوی این رسانه‌ها بوده، دیگر به‌سادگی با موج‌سازی‌های توییتری و هشتگی همراه نمی‌شود.

مردم به درستی می‌دانند که انحراف اعتراض مشروع اقتصادی به سوی امیال سیاه و منفعت‌جویانه اپوزیسیون بی‌وطن که با حمایت‌های بی‌پرده صهیونیسم همراه است، راه به جایی نخواهد برد.

در نهایت باید گفت آنچه این روزها جریان دارد، علامت تکرار و فرسودگی سناریوهای نخ‌نمای صهیونیست‌ها برای بحران‌سازی درون مرزهاست. تلاش برای احیای آشوب؛ ضمن دعوت و توصیه مجدد دولت به شنیدن مستقیم صدای نارضایتی اقتصادی جامعه و گفت‌وگوی شفاف با مردم و تشریح برنامه‌های پیش رو، درباره شیطان‌های ارتزاق کننده از بحران هم باید گفت که بس در این طلب، کوشش بی‌فایده دارند!

از شهر

گام دوم نهضت عدالت آموزشی آغاز شد

وزیر آموزش و پرورش از عبور نهضت عدالت آموزشی از مرحله توسعه فضاهای آموزشی و ورود به گام دوم با محوریت کیفیت‌بخشی، مردمی‌سازی پروژه‌ها، توانمندسازی معلمان و راهبری میدانی خبر داد.

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش با اشاره به دستاوردهای گام نخست نهضت توسعه عدالت آموزشی اظهار کرد: در مرحله نخست، بیش از ۱۱ هزار و ۵۳۰ پروژه آموزشی در سراسر کشور تحویل داده شد همچنین ۷۷ هزار کلاس درس در قالب طرح بهسازی و شاداب‌سازی نوسازی شد و برای ۱۳ هزار و ۷۰۰ کلاس در مدارس کشور بهسازی اساسی انجام شد. در حوزه تربیت‌بدنی نیز ۲ هزار و ۸۶۳ پروژه ورزشی در مدارس کشور به بهره‌برداری رسید. وی با تأکید بر اینکه فلسفه گام دوم، تمرکز بر «نقطه هدف» است، افزود: در این مرحله، حرکت نهضت توسعه عدالت آموزشی به‌صورت پروژه‌محور طراحی شده و تلاش کرده‌ایم با بسیج عمومی و استفاده از همه ظرفیت‌های مردمی، الگوهای متنوعی برای اجرای پروژه‌ها تعریف کنیم.

وزیر آموزش و پرورش با تشریح مدل جدید مردمی‌سازی گفت: تیم‌های مردمی ارتقا یافته و در قالب هیئت امنای پروژه‌ها ساماندهی شده‌اند و برای هر پروژه یک مسئول مشخص و یک هیئت امنا تعیین‌شده که مأموریت اصلی آنها، مطالبه‌گری فعال از فرمانداران، بخشداران، بانک‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و سایر نهادهاست.

کاظمی از نظام راهبری معین‌ها به‌عنوان ستون اصلی گام دوم یاد کرد و افزود: راهبری نهضت توسعه عدالت آموزشی از طریق معین‌های پروژه‌ای، منطقه‌ای و استانی انجام می‌شود. این معین‌ها وظیفه آموزش، توانمندسازی، انتقال تجربه، رصد، پایش، ارزیابی، بازدیدهای میدانی و گره‌گشایی از پروژه‌ها را بر عهده دارند.

وی توانمندسازی اعضای هیئت امنای پروژه‌ها را از برنامه‌های محوری این مرحله دانست و تصریح کرد: آموزش، مهارت‌آموزی و تجربه‌گردانی اعضای هیئت امنا با راهبری معین‌های استانی و منطقه‌ای و تیم‌های مردمی به‌صورت نظام‌مند در حال اجراست.

وزیر آموزش و پرورش با تأکید بر نقش کلیدی مدیران محلی، گفت: در گام دوم، رئیس آموزش و پرورش منطقه به‌عنوان محور راهبری و هماهنگی پروژه‌ها تعریف شده و ارزیابی پیشرفت پروژه‌ها نیز در قالب کارنمای پیشرفت به‌صورت مستمر انجام می‌شود.

کاظمی به محور کیفیت‌بخشی آموزشی اشاره کرد گفت: توانمندسازی معلمان، آموزش مدیران در قالب الگوی مدرسه تراز و توسعه آموزش هوش مصنوعی برای معلمان و دانش‌آموزان از اولویت‌های اصلی این مرحله است؛ به‌گونه‌ای که تاکنون بیش از ۲ میلیون دانش‌آموز و ۱۰۰ هزار معلم تحت آموزش‌های مرتبط قرار گرفته‌اند.

کاظمی خاطرنشان کرد: امروز آموزش و پرورش به اولویت نخست کشور تبدیل شده و همه استانداران و فرمانداران، نظام تعلیم و تربیت را مهم‌ترین دغدغه خود می‌دانند؛ مسیری که با تقویت هویت دینی، فرهنگی و ارزش‌های ایرانی ـ اسلامی ادامه خواهد یافت.